



عارف واحد ناوان  
wahaednavan@yahoo.com

## روسیه گرفتار انقلاب‌های رنگین

قطار انقلاب‌های رنگین در جمهوری‌های تازه استقلال یافته شوروی به حرکت درآمده است. ایستگاه آغازین این قطار پرطمطراق و بنیان برانداز تفلیس مرکز جمهوری گرجستان بود میخائیل ساکاشویلی ۳۶ ساله با به دست گرفتن رهبری انقلاب گل سرخ ادوار دشوار دوازده ریهیسی جمهوری کشورش را وادار به کناره‌گیری از قدرت کرد این وکیل تحصیل کرده ایالات متحده آمریکا فتیله دینامیتی را روشن کرد که انفجارهای بعدی آن لرزه بر اندام مردان کاخ کرملین می‌اندازد.

کمتر از دو سال پس از پیروزی سرخ‌ها در گرجستان، نارنجی‌های اوکراینی به رهبری «ویکتور یوشچنکو» با حمایت آشکار غربی‌ها به قدرت رسیدند تا روس‌ها از خاکریز دیگری به سود آمریکایی‌ها عقب‌نشینی کنند. اما این پایان ماجرا نبود چرا که این بار قرمزهای قرقیزی بی آن که رهبری داشته باشند کور کورانه به ساختمان‌های دولتی حمله ور شده و علاوه بر تصرف کاخ ریاست جمهوری، پارلمان این جمهوری کوچک را نیز اشغال کردند. عسگر آقایف رییس جمهوری قرقیزستان به مسکو گریخت و هرج و مرج بیشکک و سراسر قرقیزستان را فرا گرفت. جنگ قدرت و کشمکش برای تصاحب صندلی شماره یک هنوز هم در این جمهوری ادامه دارد.

با در نظر گرفتن این واقعیت که تب انقلاب‌های رنگین در این جمهوری‌ها داغ‌تر شده است پرسشی که فرا روی ماست این است

ایستگاه بعدی این قطار کدام جمهوری خواهد بود؟ سال ۲۰۰۵ میلادی سال برگزاری انتخابات پارلمانی در جمهوری‌های آذربایجان، ارمنستان و تاجیکستان است آگاهان سیاسی وقوع انقلاب‌های رنگین در این جمهوری‌ها را دور از ذهن نمی‌دانند کما این که بنفش‌های آذربایجان از هم اکنون حلقه را بر الهام علی‌اف لحظه به لحظه تنگ‌تر می‌کنند قتل «المارحسین اف» سر دبیر مجله مونیتور دستاویزی برای فشار به دولت باکو شده است.

الهام علی‌اف در واکنشی خشمگینانه به مواضع مخالفان نسبت به تحرکات خارج از حد آنها هشدار داد.

وضعیت اما در جمهوری مولداوی به گونه‌ای

سال ۲۰۰۵ میلادی  
سال برگزاری  
انتخابات پارلمانی در  
جمهوری‌های آذربایجان،  
ارمنستان و  
تاجیکستان است

دیگری رقم می‌خورد، مردم این جمهوری به دلیل سیاست‌های سخت‌گیرانه روس‌ها به ویژه در تحریم کالاهای ساخت مولداوی سیاست ضد روسی پیش گرفته‌اند. سیاستمداران این جمهوری هم برای باقی ماندن در کورس رقابت برنامه‌های خود را در نزدیکی به غرب قرار داده‌اند. از دیگر سو «الکساندر لوکاشنکو» رییس جمهوری بلاروس در واکنش به آنچه در جمهوری‌های تازه استقلال یافته می‌گذرد به خبرنگاران می‌گوید: «اینجا بلاروس است! اینجا هیچ انقلاب رنگینی رخ نخواهد داد در اینجا تنها با برگزاری انتخابات و شمارش آرا می‌توان لوکاشنکو را سرنگون کرد.»

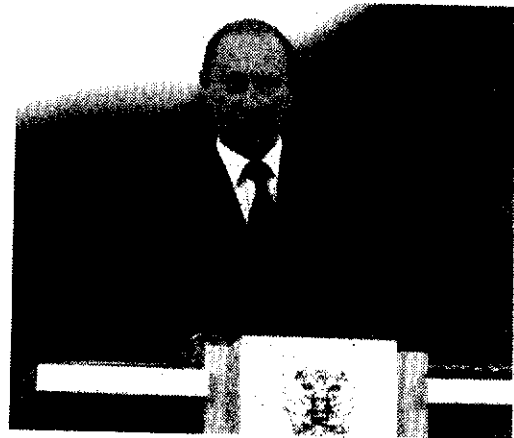
وضعیت در سایر جمهوری‌ها به مراتب بدتر است رهبران قزاقستان، ازبکستان و ترکمنستان نیز از بیم وقوع انقلاباتی شبیه آنچه در گرجستان، اوکراین و قرقیزستان رخ داد خواب راحتی ندارند.

**یک گام دیگر تا فروپاشی روسیه**

«علایم انقلاب مخلمین در روسیه هم دیده می‌شود» این جمله را «نیکلای زیتونوف» معاون کمیسیون امنیت دومای روسیه در ارتباط با تأثیر رویدادهای گرجستان، اوکراین و قرقیزستان بر روسیه بر زبان رانده است.

«دیمیتری مدودوف» یک مقام عالی رتبه دیگر روسی نیز ضمن هشدار به سیاستمداران این کشور گفت: اگر نتوانیم میان نخبگان سازش و مصالحه برقرار کنیم، روسیه دیگر به عنوان یک کشور





تقسیم شود. دومای این کشور در ۳۱ همین ماه با این پیشنهاد موافقت کرد.  
این هفت منطقه عبارتند از:  
منطقه شمال غربی (مرکز سنت پترزبورگ)  
منطقه مرکزی (مرکز مسکو) منطقه رود ولگا  
(مرکز نیژنی نووگورود)، منطقه شمال قفقاز  
(مرکز - رستوف-دن)، منطقه خاور دور  
(مرکز خاباروفسک)، منطقه اورال (مرکز -  
یکاترینبورگ) و منطقه سیبری (مرکز -  
نووسیبریسک) تقسیم‌بندی روسیه با هفت منطقه  
و کاهش قدرت استانداران و اعطای حالت انتصابی

متحد وجود نخواهد داشت. روزنامه ایندپندنت  
بر اساس گزارش‌های سازمان اطلاعاتی آمریکا  
(سیا) پیش‌بینی کرده که روسیه تا ۱۰ سال آینده  
به ۸ کشور مختلف تجزیه شود.  
جمهوری فدراتیو روسیه با ۱۷۰۷۵۴۰۰  
کیلومترمربع وسعت پهناورترین کشور جهان  
است. این کشور دارای ۲۱ جمهوری خودمختار،  
۳۹ استان، ۶ خطه، دو شهر خودمختار مسکو و  
سنت پترزبورگ (نئین گراد) است. ولادیمیر پوتین  
رئیس جمهوری جوان این کشور در ماه مه سال  
۲۰۰۰ میلادی پیشنهاد کرد که روسیه به ۷ منطقه

# پوتین؛ حرکت در راه



روزبه ابوالهری

یلتسین برخی از جمهوری‌های خودمختار در ترکیب  
جمهوری فدراتیو روسیه از انتشار باشد پول جنگ‌گونه  
حرف می‌زنند. در برخی جمهوری‌های دیگر مثل  
چچن اشتباهی استقلال و بجای خواهی نسبت گرفت  
اما با نخست‌وزیری پرماتکف گرایش گریز از مرکز  
کاهش پیدا کرد.  
کاری که پوتین انجام داد کاهش اختیارات استانداران  
بود برخی از کارشناسان این حوزه معتقدند این نقض  
دموکراسی بود. اما من منتقد این اقدام ولادیمیر پوتین  
در جهت تقویت قدرت مرکزی بود. پوتین از انبساط  
ارشد کاگب بود نیم فعال ولادیمیر پوتین در شرایط  
فعلی هم از کاگب تشکیل شده است از این نظر  
کارهای صورت گرفته به وسیله پوتین و به جهت  
رهبری وی اقدامی برای جلوگیری از شکل‌گیری  
بخران‌های آینده است.  
نگاهی به تاریخ روسیه نشان می‌دهد که همیشه  
گرایش به تقویت حکومت مرکزی در میان روس‌ها  
نیرومند بوده است. این قائل لیکار نیست و این یکی  
از ویژگی روس‌هاست بگنایند مثالی بزنم در زمان  
لنین کوشش‌هایی در جهت کاهش قدرت حکومت  
مرکزی صورت گرفت اما در دوره استالین حکومت  
مرکزی در مسکو متمرکز شد به نظر من اندیشه‌های  
پوتین هم ناشی از همین ویژگی‌های روس‌هاست اما  
باید پذیرفت که ولادیمیر پوتین بر خلاف بوریس  
یلتسین که مجلس را به لوب بست و مخالفان را زندانی  
کرد کسی را سرکوب نکرد این تفاوت یلتسین و پوتین  
است. به نظر من اقدامات پوتین در روسیه تلاش  
برای جلوگیری از فروپاشی این کشور است.  
صرف نظر از اختلاف‌ها و مشکلات داخلی

سلسله گفت‌وگوها را با خبرنگاران انجام داد. پوتین  
همان زمان از جنگ چچن به عنوان یک دو میو یاد  
کرد. در نقری که سال گذشته به روسیه داشتیم و در  
گفت‌وگوهایی که با مقام‌های سیاسی روسی داشتیم  
آنها هم به این نکته تاکید داشتند که پس از فروپاشی  
شوروی هدف آمریکایی‌ها فروپاشی روسیه است.  
من هم با ایده شما موافق هستم آمریکا در صدد تجزیه  
روسیه به چند جمهوری کوچک است چون با حذف  
روسیه از صحنه سیاست جهانی حداقل یک حریف  
آنها کم می‌شود.  
از طرف دیگر اگر روس‌ها نتوانند همین شرایط را  
حفظ کرده و کشورشان را بازسازی کنند و با اتحادیه  
اروپا کنار بیایند توسط طرف می‌تواند یک قطب تازه تشکیل  
دهند فعلی که قدرت اقتصادی آن از اتحادیه اروپا  
تشکیل و بر پایه قدرت نظامی روسیه استوار باشد این  
قطب تازه می‌تواند منافع آمریکا را به خطر بیندازد و  
واشنگتن را آزار دهد.  
عامل خارجی (فشار آمریکایی‌ها) یک  
بخش از این موضوع است اما بخشی  
تحلیلگران معتقدند عامل درونی از جمله  
سیاست‌های انعطاف‌ناپذیر ولادیمیر پوتین  
موجب فروپاشی روسیه خواهد شد. به ویژه  
این که در دوره بوریس یلتسین روسیه  
به شیوه‌های دموکراتیک‌تری اداره می‌شد  
اما پوتین ناگزیر شده به قدرت مرکزی  
ببازاید.  
تجزیه روسیه می‌تواند تحقق یابد اما این را نباید  
فراموش کرد که امکان تجزیه روسیه در زمان بوریس  
یلتسین بسیار بیشتر بود تا ولادیمیر پوتین. در دوره

اشاره  
انقلاب‌های رنگین در جمهوری‌های  
گرجستان، اوکراین و فریستان و احتمال  
وقوع چنین رخدادی در سایر جمهوری‌های  
پیرامون روسیه بحث جدی محال سیاسی  
منطقه است. ماهنامه گزارش به دلیل  
حساسیت این موضوع نظر برخی صاحب  
نظران این حوزه و تاثیر انقلاب‌های رنگین بر  
روسیه را جویا شده است.  
روزبه ابوالهری کارشناس مسائل جمهوری  
فدراتیو روسیه در تحلیل این حوادث  
می‌گوید، روسیه در شرایط فعلی بازی را به  
آمریکایی‌ها باخته است. وی که یازها به  
جمهوری فدراتیو روسیه و سایر جمهوری‌های  
تازه استقلال یافته سفر کرده، تلاش‌های  
ولادیمیر پوتین را راهی برای جلوگیری از  
وقوع انقلاب رنگین در خود روسیه می‌داند  
آنچه در پی می‌آید گفت‌وگوی اختصاصی  
ماهنامه گزارش با این صاحب نظر امور روسیه  
است.  
سازمان سیا آمریکا پیش‌بینی کرد جمهوری  
فدراتیو روسیه کمتر از ۱۰ سال آینده از هم  
می‌پاشد به نظر شما آیا این احتمال در آینده  
وجود دارد؟  
در سیاست همه چیز امکان‌پذیر است و چیز غیرممکن  
نماند. پوتین زمانی که چلشین رئیس جمهور بود و  
هنوز انتخابات ریاست جمهوری برگزار نشده بود یک



به فرمانداران موجب بروز انتقادهایی از ولادیمیر پوتین شد. اما رییس جمهور روسیه با پافشاری بر متمرکز ساختن قدرت در مرکز می‌کوشد تا تمامی جنبش‌های جنایی خواهانه در کشورش را سرکوب کند. بسیاری از تحلیل‌گران بر این باورند اقدامات پوتین به تسری انقلاب رنگین در روسیه کمک خواهد کرد. سال ۲۰۰۸ میلادی پایان دور دوم ریاست جمهوری ولادیمیر پوتین خواهد بود طبق قانون اساسی روسیه وی مشروعیت شرکت در انتخابات ریاست جمهوری برای بار سوم را نخواهد داشت. از این رو سال ۲۰۰۸

## اقدام پوتین به تسری انقلاب رنگین در روسیه کمک می‌کند

میلادی را سال بروز اختلاف‌های سیاسی و آغاز انقلاب رنگین در این کشور دانسته‌اند. گفته می‌شود کمیته ۲۰۰۸ روسیه (اتحاد دموکرات‌ها و لیبرال‌های موج اول اصلاحات روسیه) میخائیل کاسیانف نخست‌وزیر سابق و

بوریس نمتسف یکی از رهبران اتحادیه راستگرایان بازیگران انقلاب رنگین روسیه در سال ۲۰۰۸ میلادی خواهند بود. کشمکش بر سر جانشینی پوتین در سال ۲۰۰۸ زهم اکنون آغاز شده است فعالان سیاسی و گروه‌های رقیب جدال سختی برای این مهم آغاز کرده‌اند که پایان خوشی نمی‌توان برای آن متصور شد. اگر در تحولات دهه ۹۰ و فروپاشی شوروی به ۱۵ جمهوری کمتر از ۱۵ نفر زخمی شدند اما می‌توان تصور کرد که فروپاشی روسیه هزینه‌های سنگینی برای روس‌ها خواهد داشت.

# جلوگیری از فروپاشی روسیه

در جمهوری فدراتیو روسیه انقلاب‌های رنگین در پیرامون روسیه چه تأثیری می‌تواند بر تحولات سیاسی و اقتصادی این کشور داشته باشد؟

انقلاب‌های رنگین در دو بعد سیاسی و اقتصادی بر روسیه تأثیر گذار است پس از فروپاشی شوروی روسیه خود را در محاصره یک سری کشورها دید که به رغم دارا بودن پیوندهای اقتصادی در صدد دوری از روسیه و نزدیکی به غرب به ویژه آمریکا بودند. در این میان در جمهوری آذربایجان و برخی کشورهای آسیای مرکزی تلاش‌های گسترده‌ای برای گریز از مسکو شکل گرفت به نحوی که برخی از این جمهوری‌ها به عضویت مشارکت صلح ناتو در آمدند. این یک روی سکه بود.

روی دیگر سکه به رقابت آمریکا و روسیه و توسعه قدرت نفوذ آمریکا در این مناطق بر می‌گردد از رقابت دو کشور در منطقه بسیاری از تحلیلگران این حوزه به عنوان بازی بزرگ دوم یاد می‌کنند.

اما تحولات اخیر در مجموع به سود آمریکایی‌ها تمام شده است زیرا با برکناری حاکمان قدیم و پیروزی انقلاب‌های رنگین دولت‌های تازه کار در این جمهوری‌ها روابط اقتصادی، سیاسی و نظامی خود را با واشنگتن تقویت می‌کنند. به طوری که پس از به قدرت رسیدن ویکتور یوشچنکو در اوکراین تریدیدهای زیادی وجود دارد که این کشور به عضویت اتحادیه اقتصادی که روسیه خواستار شکل‌گیری آن است، در نیاید. اتحادیه‌ای که از کشورهای روسیه، اوکراین، بلاروس و قزاقستان تحت عنوان سازمان پان اسلاو شکل خواهد گرفت. سازمانی که پوتین قرار است

برای حفظ منافع روسیه آن را تشکیل دهد این سازمان در وهله نخست یک بازار اقتصادی گسترده است. در وهله دوم یک تشکل سیاسی که روسیه بتواند نفوذ خود در این منطقه را حفظ کند اما با وقایعی که ابتدا در گرجستان سپس در اوکراین و قرقیزستان رخ داد ضربه بسیار جدی به این سیاست روس‌ها وارد شد. به نظر می‌رسد با این تغییر و تحولات، روسیه باید در انتظار روی کار آمدن یک سری دولت‌های دیگر در کشورهای پیرامون خود باشد. ممکن است که این دولت‌ها در ظاهر حرف از حفظ روابط با مسکو را بزنند اما در عمل غیر از این خواهد بود.

گرجستان نمونه کلاسیک این تحولات است. ساکاشویلی وقتی در این جمهوری به قدرت رسید صحبت از ایجاد بهترین روابط با مسکو کرد اما در عمل خواستار خروج نیروهای روسی از خاک کشورش شد و به تعطیلی پایگاه‌های این کشور از خاک گرجستان پافشاری می‌کند.

این تحولات در اوکراین هم در حال تکرار است. هر شرایطی که ویکتور یوشچنکو سخن از روابط بسیار استراتژیک با روس‌ها به زبان می‌راند اما به دنبال گسترش روابط با آمریکایی‌هاست. تمایل نادم از زاویه‌ای دیگر به این تحولات نگاه کنیم. من معتقدم نوحی کمربند امنیتی علیه روس‌ها در حال شکل‌گیری است این کمربند امنیتی مرکب از یک سری حلقه‌هایی به هم پیوسته و زنجیروار است. یک دسته از آنها شامل کشورهای بالتیک (لتونی، استونی، لیتوانی) می‌شود که پس از فروپاشی شوروی شکل گرفتند این کشورها سیاست‌هایی را پیش گرفته‌اند که روس‌ها مخالف آن هستند.

حلقه دوم شامل اوکراین است. اوکراین ساپورت‌کننده حلقه پایینی و بالایی است در این جا باید به یک نکته مهم اشاره کنم اوکراین از اعضای اتحادیه گوم است اما این پیمان مدت‌ها را کذب بود در حالی که پس از قدرت رسیدن یوشچنکو در این کشور پیمان گوم هم تحرک دو باره پیدا کرد. به نظر من در شرایط فعلی روسیه بازی را باخته است.

به اعتقاد شما روس‌ها برای بیرون رفتن از این بحران‌ها چه باید بکنند؟

من فکر می‌کنم سناریوی محتمل برای روسیه تمدید دوره ریاست جمهوری ولادیمیر پوتین باشد. شاید برای بار سوم به پوتین اجازه شرکت در انتخابات ریاست جمهوری را ندهند اما اگر روس‌ها مدت ریاست جمهوری پوتین را افزایش دهند به سود آنها خواهد بود تا این دوره بحرانی در روسیه سپری شود. ولی باید دید که کاکب چه چیزی می‌خواهد و چه فکر می‌کند. از طرف دیگر افراد لایقی در روسیه هستند که توانایی جانشینی پوتین را دارند گمانه‌زنی‌های فراوانی در روسیه وجود دارد. که فردی مثل سرگنی ایوانف این نقش را پس از پوتین ایفا کند.

ایوانف از همان اوایل دهه ۱۹۹۰ از افراد شاخص تیم پوتین بود. ولادیمیر پوتین در میان افراد خود اعتقاد زیادی به او دارد و در دوره ریاست جمهوری خود پست‌های حساسی مثل وزارت دفاع و دبیری شورای امنیت را به وی داده است. اگر چه خود ایوانف تلاش برای تصدی پست ریاست جمهوری را تکذیب کرده اما در عرصه سیاست هیچ چیزی غیرممکن نیست.